

بررسی ارتباط سبکهای فرزند پروری با عملکرد خانواده

محمود ستار؛ مینو متقی^۲

^۱ دانشجوی کارشناس ارشد، گروه روان پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)

^۲ دکتر، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)

نویسنده مسئول:

مینو متقی

چکیده

مقدمه:

خانواده مهمترین محیط اجتماعی است که بر رشد افراد تاثیر می گذارد. فرد نه تنها از نظر جسمی و زیستی بلکه از نظر شخصیتی نیز تحت تاثیر تجارب اولیه خود در محیط خانواده قرار میگیرد. هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبکهای فرزندپروری با عملکرد خانواده در کارکنان شرکت نفت گچساران در سال ۱۳۹۷ می باشد.

مواد و روشها:

جامعه آماری تحقیق کلیه کارکنان شرکت نفت گچساران که تعداد ۲۵۵ نفر با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. داده ها با پرسشنامه سبکهای فرزند پروری بامبرند (۱۹۷۲) و پرسشنامه عملکرد خانواده اپشتین، بالدوین و بیشاب (۱۹۸۳) جمع آوری گردید. پایایی پرسشنامه ها نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۷۶۸ و ۰/۷۰۵ به دست آمد.

یافته ها:

نتایج نشان دادند که میانگین امتیاز درخصوص وضعیت سبکهای فرزندپروری برای سبک مقتدرانه ۳۲/۸ درصد، برای سبک مستبدانه ۳۳/۷ و برای سبک خویشتن داری ۳۳/۵ درصد بود. همچنین عملکرد خانواده در کارکنان شرکت نفت گچساران، بالاتر از سطح متوسط بود. مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر سبک مقتدرانه و عملکرد خانواده برابر با ۰/۲۷۹ ($p < ۰/۰۰۱$)، بین دو متغیر سبک مستبدانه و عملکرد خانواده برابر با ۰/۱۹۲ ($p < ۰/۰۰۱$) و بین دو متغیر سبک خویشتن داری و عملکرد خانواده برابر با ۰/۳۷۵ ($p < ۰/۰۰۱$) در واقع بین هر سه سبک فرزندپروری و عملکرد خانواده ارتباط معنی دار وجود داشت.

نتیجه گیری:

ارتباط بین سبکهای فرزندپروری و عملکرد خانواده می تواند حاکی از این باشد که والدین از طریق سبکهای فرزندپروریشان تاثیرات بسیار مهم و چشمگیری در عملکرد خانواده در سطوح مختلف دارند.

کلمات کلیدی: سبکهای فرزندپروری، عملکرد خانواده

مقدمه:

با توجه به اهمیت نظام خانواده به عنوان اولین ساختار جامعه که پایه و اساس تربیت و تعلیم فرزندان به شکل یک استاندارد مشروع و مقبول در آن بنیان نهاده می شود، اهمیت توجه و حفظ چنین ساختاری با در نظر گرفتن نقش روحی، روانی، عاطفی، اجتماعی و رفتاری آن و الگوبرداری فرزندان در یک محیط عاطفی کاملاً مشهود است. خانواده های برخوردار از کارکرد سالم، سوای بقای خود در قالب یک نظام، موجب شکوفایی توان بالقوه ی یکایک اعضای خود میگردند، یعنی به آن ها اجازه می دهند با اعتماد و اطمینان خاطر در پی کاوشگری و خودیابی برآیند. شواهد نشان میدهد، خانواده هایی که عملکردی کارآمد دارند نسبت به خانواده هایی که عملکرد آنها ضعیف و ناکارآمد است، بسیار قویتر عمل می نمایند [۱]. خانواده یکی از مهم ترین عوامل تعیین کننده شکل گیری شخصیت است، خانواده ارزش ها را انتقال می دهد، اخلاق را بهبود می بخشد و رفتار را اصلاح می کند [۲] و کانون التیام بخش دردها و محل ارضاء نیازهای مختلف جسمانی، عقلانی و عاطفی است که خمیرمایه هیجانی انسان در دوران کودکی و در سیستم خانواده شکل می گیرد [۳]. این واحد اجتماعی مبدا بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه ترین روابط و تعاملات بین فردی است اهمیت خانواده به اندازه ای است که سلامت و بالندگی هر جامعه وابسته به سلامت و رشد خانواده های آن است و هیچ یک از آسیب های اجتماعی فارغ از تاثیر خانواده پدید نیامده است [۴]. در شرایط کنونی جوامع که فشارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و فشار ناشی از کار و برخوردهای نظری و ارزشی فراوان است، خانواده باید محل امن و قابل اعتماد برای اعضا خود باشد در غیر این صورت سلامت روانی اعضا خانواده و در نهایت سلامت روانی جامعه به خطر می افتد [۵]. عملکرد خانواده به چگونگی روابط اعضای خانواده، تعامل و حفظ روابط، چگونگی تصمیم گیری ها و حل مشکلات اعضای خانواده مربوط می شود. به عبارت دیگر عملکرد خانواده جنبه مهم خانوادگی است که سلامت جسمانی، اجتماعی و تربیتی فرزندان را تحت تاثیر قرار می دهد. در واقع آنچه در درون خانواده اتفاق می افتد و چگونگی عملکرد آن نشانه ای از سبک فرزند پروری والدین است [۲]. و تلاش مشترکی برای برقراری و حفظ تعادل در خانواده است و به توانایی در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضا و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده اشاره دارد [۶]. عملکرد خانواده عبارت است از چگونگی ارتباط، تعامل، و حفظ روابط، چگونگی تصمیم گیری ها و حل مشکلات اعضای خانواده است (سیلبرون ۲۰۰۶) و یکی از عواملی که تاثیر بسزایی بر عملکرد خانواده دارد سبک های فرزند پروری است. فرزند پروری به روشها و رفتارهای ویژه گفته می شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد فرزندان تأثیر می گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزند پروری مبین تلاشهای والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است [۷]. نحوه ی ارتباط والدین با فرزندان، قوی ترین عامل موثر بر الگوهای تعاملی خانواده محسوب می شود به خصوص در دوره هایی از زندگی فرزندان که تحولات اساسی رشد روانی طی می شود. خانواده، بافت اصلی رشد فرزندان است و عوامل خانوادگی، ویژگی های فردی فرزندان، نشانگان قبلی و حوادث زندگی، بروز ناسازگاری های رشدی و آسیب های روان شناختی را پیش بینی می کند. یکی از مهمترین عوامل خانوادگی در تحول این مشکلات رفتاری، سبک فرزند پروری است [۸]. تردیدی نیست که خانواده به عنوان قویترین سیستم بر پایه ریزی و شکل گیری شخصیت و فرایندهای درونی فرزند تاثیر عمیق و بسزایی دارد و آنها را شکل می دهد. بسیاری از ویژگی های شخصیتی کودکان تحت تاثیر ویژگی های شخصیتی و شیوه های فرزند پروری والدین است. والدین از طریق سبکهای فرزند پروری خود اثرات بسیار مهم و چشمگیری بر عملکرد خانواده در سطوح مختلف دارند. نوجوانان و جوانان، برای موفقیت در زندگیشان نیازمند اعتماد، حمایت، روابط نزدیک با خانواده خود، خصوصاً والدینشان هستند [۹]. یکی از اساسی ترین مسائلی که در محافل علمی و آموزشی جهان مطرح است مسئله سبکهای فرزند پروری و به عبارتی تعلیم و تربیت فرزندان است. هر خانواده ای شیوه های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می گیرد [۱۰]. همچنین عملکرد خانواده جنبه مهم محیط خانواده است که سلامت جسمانی، اجتماعی و هیجانی فرزندان را تحت تاثیر قرار می دهد. عوامل عملکرد، تحصیلی بدون توجه به قومیت، جنسیت، و سطح پایه تحصیلی است. این که افراد چه شیوه ای را در برخورد با فرزندان بر می گزینند، تابع موقعیت های ویژه ای است مانند نوع شخصیت، آموزه های فرهنگی و اجتماعی، عملکرد و ساختار خانواده و نظایر آن چرا که نحوه ی ارتباط والدین با فرزندان، قوی ترین عامل موثر بر الگوهای تعاملی خانواده و عملکرد آن محسوب می شود [۱۱]. صنعت نفت و گاز به عنوان مهمترین بخش صنعتی ایران، بخش بزرگی از بدنه کارگری کشور را به خود اختصاص داده است. مشکلات و آسیب های ناشی از سختی کار، شیفتهای طولانی کاری و دوری از خانواده در این افراد زندگی خانوادگی و عملکرد خانواده ها و فرزندان آنها را با مشکل مواجه ساخته است. در کارکنان شرکت نفت به علت شرایط کاری سختی که دارند و اغلب اوقات به دور از خانواده و فرزندان خود هستند ممکن است در سبک های تربیتی فرزندان خود و عملکرد خانواده دچار مشکل شوند. به نظر می رسد عملکرد خانواده در شکل گیری نحوه برخورد و انتخاب سبک مناسب فرزند پروری، نقش ویژه ای داشته باشد. در این تحقیق محقق به عنوان روان پرستار؛ عملکرد کارکنان شرکت نفت را در ارتباط با سبک های فرزند پروری آنان بررسی و وضعیت سبک های فرزند پروری و عملکرد خانواده و میزان همبستگی بین آنها را مورد بررسی قرار داد.

مواد و روشها:

ابزار جمع آوری اطلاعات در پژوهش حاضر پرسشنامه بود. جامعه آماری در این پژوهش کلیه کارکنان شرکت نفت گچساران که در زمان تحقیق حدود ۷۶۰ نفر بودند و شرکت نفت گچساران به عنوان محیط پژوهش در نظر گرفته شد. نمونه شامل تعدادی از کارکنان شرکت نفت گچساران می باشند که با روش نمونه گیری تصادفی وارد مطالعه خواهند شد و دارای معیارهای ورود و خروج هستند و با استفاده از فرمول کوکران ۲۵۵ نفر محاسبه گردید. معیارهای ورود به پژوهش شامل: (۱) کارکنان انتخاب شده در شرکت نفت گچساران در سال ۱۳۹۷ که کمتر از ۵ سال مشغول به انجام وظیفه می باشند.

(۲) رضایت کارکنان شرکت نفت گچساران برای شرکت در پژوهش و پر نمودن پرسشنامه ها

(۳) کارکنان متاهل و دارای فرزند ۶ سال به بالا

(۴) کارکنان دارای حداقل یک فرزند

ابزار مورد استفاده برای جمع آوری اطلاعات پرسشنامه عملکرد خانواده و پرسشنامه استاندارد سبک های فرزند پروری است. پرسشنامه عملکرد خانواده دارای ۶۰ سوال است و ۶ بعد حل مسأله، ارتباط، نقش، پاسخگویی عاطفی، آمیختگی عاطفی، کنترل رفتار است. طیف نمره دهی آن بر اساس لیکرت پنج گزینه ای تنظیم و بر اساس مقیاس لیکرت از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) درجه بندی شده است. نمره کل پرسشنامه می تواند بین ۶۰ الی ۲۴۰ قرار بگیرد (جدول شماره ۱). پرسشنامه سبکهای فرزند پروری دارای ۳۰ سوال و ۳ بعد مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه است. طیف نمره دهی آن بر اساس لیکرت پنج گزینه ای تنظیم و بر اساس مقیاس لیکرت از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) درجه بندی شده است (جدول شماره ۲). پرسش نامه ها تحت ملاحظات اخلاقی و پس از دریافت رضایت کتبی توسط نمونه ها تکمیل گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS مدل ۱۹ و Excel مدل ۱۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. آزمونهای ضریب همبستگی اسپیرمن و تی استیوننت در تحلیل داده ها بکار گرفته شدند.

یافته ها:

تمام پاسخ دهندگان را مردان تشکیل دادند که بالاترین فراوانی ایشان با ۴۴/۱ درصد در سنین بین ۳۰ تا ۴۰ سال قرار داشته (کمترین سنین بیش از ۵۰ سال با ۹ درصد)، از مجموع نمونه ها ۴۱/۳ درصد از سابقه کار بین ۵ تا ۱۰ سال داشتند (کمترین سابقه کار کمتر از ۵ سال با ۲ درصد) و بیشترین فراوانی مربوط به افراد با مدرک لیسانس ۴۲/۱ درصد بود (کمترین سطح تحصیلات مربوط به دکتری با ۶ درصد). یافته های مطالعه حاضر نشان داد که بین مشخصات دموگرافیکی کارکنان مورد پژوهش (سن، جنس، میزان تحصیلات و سابقه خدمت) تفاوت آماری معنی داری وجود ندارد. مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن بین سبکهای فرزند پروری و عملکرد خانواده برابر با مقدار ۰/۳۵۲ بود و با توجه به سطح معناداری $p < 0/0001$ میتوان نتیجه گرفت که همبستگی معنی دار بوده است. مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن بین سبک مقتدرانه و عملکرد خانواده برابر با مقدار ۰/۲۷۹ بود و با توجه به سطح معناداری $p < 0/0001$ میتوان نتیجه گرفت که همبستگی معنی دار بوده است. مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن بین سبک مستبدانه و عملکرد خانواده برابر با مقدار ۰/۱۹۲ بود و با توجه به سطح معناداری $p < 0/001$ میتوان نتیجه گرفت که همبستگی معنی دار بوده است. مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن بین سبک خویشترن داری و عملکرد خانواده برابر با مقدار ۰/۳۷۵ بود و با توجه به سطح معناداری $p < 0/001$ میتوان نتیجه گرفت که همبستگی معنی دار بوده است (جدول شماره ۳). یافته های آزمون t یک نمونه نشان داد که تفاوت معنادار بین میانگین تمامی مولفه ها با مقدار متوسط ۳ است. با توجه به مقادیر میانگین ها مشخص شد که وضعیت کلیه مولفه های عملکرد خانواده بالاتر از سطح متوسط است (جدول شماره ۴). همچنین یافته های آزمون t نشان داد که تفاوت معنادار بین میانگین تمامی مولفه ها با مقدار متوسط (۳) است. با توجه به مقادیر میانگین ها مشخص شد که وضعیت کلیه مولفه های مقتدرانه، مستبدانه و خویشترنداری بالاتر از سطح متوسط است. نتایج نشان دادند که میانگین امتیاز نظرات ۲۵۵ پاسخگوی انتخاب شده از کارکنان شرکت نفت گچساران درخصوص وضعیت سبکهای فرزند پروری برای سبک مقتدرانه ۳۲/۸ درصد، برای سبک مستبدانه ۳۳/۷ و برای سبک خویشترنداری ۳۳/۵ درصد می باشد. بنابراین سبک غالب در این تحقیق، سبک مستبدانه با ۳۳/۷ درصد می باشد (جدول شماره ۵).

بحث و نتیجه گیری:

خانواده تأمین کننده ی نیازهای روانی و جسمانی هر فرد است، نظام اجتماعی منحصر به فردی است که عضویت در آن بر اساس مجموعه ی عوامل زیستی، قانونی، عاطفی و جغرافیایی، تاریخی شکل می گیرد و به صورت یک سیستم مطرح می شود. شکست در انجام وظایف منجر به ایجاد مشکلات سازگاری میشود. تأثیر خانواده بر رشد و تحول ویژگیهای شخصیتی از اهمیت ویژه ای برخوردار است [۱۲]. خانواده به عنوان یک سیستم اجتماعی-فرهنگی تلقی می شود که در کنار همه ی خصوصیات دیگرش، دارای مجموعه ای از قواعد است و هر یک از اعضایش نیز نقش خاصی دارند. این سیستم دارای یک ساختار قدرت است که به وسیله ی آن، اشکال مختلفی از ارتباط را بروز می کند. اعضای خانواده تا حدود زیادی پیشینه ی مشترک، ادراکات درونی شده ی مشترک، مفروضات و دیدگاههای درباره ی دنیا و برداشت مشترکی از اهداف زندگی دارند [۱۳]. عملکرد خانواده جنبه مهم محیط خانواده است که سلامت جسمانی، اجتماعی و هیجانی کودکان را تحت تأثیر قرار می دهد [۱۴]. از نظر عملکرد می توان خانواده ها را در دو دسته عملکردی و غیر عملکردی تقسیم کرد. خانواده های عملکردی، مشکلات خود را به درجات و در زمانبندی های متفاوت حل می کنند. در واقع، خانواده منظومه ای باز است که اعضاء به طور عاطفی به هم پیوسته اند، البته برای گسترش هویت فردی خود نیز تشویق میشوند. فضای چنین خانواده هایی مملو از عشق و پذیرش بدون قید و شرط است، در نتیجه، تعارض را تحمل می کنند و با میل و رغبت، درخواست کمک یکدیگر را اجابت می کنند [۱۵]. خانواده ی غیر عملکردی حالت بسته دارد و اعضاء از لحاظ عاطفی به حال خود رها شده و جدا از هم هستند. مرزهای بین اعضاء سخت و حتی مبهم است. عشق مشروط بوده و اعضاء خانواده برای گسترش هویت فردی، تشویق نمی شوند. خانواده از قبول مشکل و یا درخواست کمک خودداری نموده و به نظر می رسد، مشکلات ادامه می یابند و یا به شکل های دیگر بروز می کنند [۱۶]. مهم ترین کارکردهای خانواده عبارتند از: کارکرد زیستی، کارکرد تربیتی، کارکرد فرهنگی، کارکرد اجتماعی و کارکرد اقتصادی. در تعریف کارکرد خانواده، چندین مشکل وجود دارد؛ پیچیدگی ناشی از نحوه تأثیر و تعامل این عوامل درونی و بیرونی در شکل گیری ماهیت و مفهوم خانواده در هر فرهنگ، تعریف «کارکرد خانواده» یا «ناکارآمدی خانواده» را مشکل می سازد. مسئله دیگر تعریف مفاهیم بهنجاری یا نابهنجاری است. همواره در تعریف سلامت یا بهنجاری، این خطر وجود دارد که با انتخاب یک سیستم ارزشی به عنوان معیار سلامت، آن معیار برای جمعیتی با سیستم ارزشی دیگر بکار برده شود و از طرف دیگر آنچه کار را باز هم مشکل تر می سازد، ماهیت چند بعدی بشر است، چرا که انتخاب معیاری که بتواند تمام جوانب روانی یا فیزیکی فرد را دربر بگیرد، بسیار دشوار است و در نهایت وجود الگوهای مختلف نظری که هر یک به ارزیابی کیفیت های مختلفی از عملکرد خانواده می پردازد، سبب شده که کارآمدی و ناکارآمدی از دیدگاه هر یک مفهوم خاصی داشته باشد [۱۷]. یافته های پژوهش حاضر نشان داد که بین سبکهای فرزند پروری و عملکرد خانواده همبستگی معنی دار وجود دارد. اکبری و همکاران در مطالعه ای بیان نمودند که سبک والدینی مقتدر با استعداد گرایش به اعتیاد دارای همبستگی منفی می باشد و سبک های والدینی مستبد و بی اعتنا و همچنین ناکارآمدی عملکرد خانواده می تواند پیش بینی کننده گرایش فرزندان به مصرف مواد مخدر باشد [۱۸]. همچنین کهرآزنی و همکاران در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که عملکرد خانواده و استفاده والدین از هر کدام از شیوه های تربیتی (مقتدر و منطقی، دیکتاتور، آزاد گذار) می تواند باعث تعالی شخصیت کودک شود یا عامل ایجاد اختلالات روانی؛ همچون ناسازگاری شود. همچنین نتیجه گیری شد که عملکرد خانواده و سبک های فرزند پروری با سازگاری اجتماعی رابطه مثبت و معناداری دارند. هر چه عملکرد خانواده از راندمان بهتری برخوردار باشد میزان سازگاری اجتماعی افراد افزایش می یابد و همچنین از بین سه سبک فرزند پروری (مقتدر و منطقی، دیکتاتور، آزاد گذار) سبک اقتدارگرا رابطه ای مثبت و معنادار با سازگاری اجتماعی دانش آموزان دارد [۱۹]. نیکلاو و همکاران نیز به این نتیجه رسیدند که سبک های فرزند پروری و ویژگی های عملکرد خانواده بر سلامت روان کودکان تأثیر گذار است [۲۰]. متجویک و همکاران در پژوهشی مشابه بیان کردند که الگوهای کارکرد خانواده و سبک فرزند پروری والدین بر افسردگی نوجوانان تأثیر دارد [۲۱]. نتایج مطالعات مذکور با مطالعه حاضر همسو می باشند. در تبیین نتایج می توان چنین بیان نمود که خانواده تأمین کننده ی نیازهای روانی و جسمانی هر فرد است، و تأثیر خانواده بر رشد و تحول ویژگیهای شخصیتی از اهمیت ویژه ای برخوردار [۱۲]. عبارتی خانواده، اولین پایه گذار شخصیت، ارزش ها و معیارهای فکری است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت و سبک و خط مشی زندگی آینده فرد دارد و اخلاق، صحت و سلامتی روانی فرد، تا حدود بسیار در گرو آن است. از طرفی خانواده در کنار رفع نیازهای جسمانی و روانی و انتقال ارزش های اجتماعی، در مسئولیت آموزشی و تربیتی فرزندان، نقش بسیار مؤثری را دارد. فرد در بستر خانواده خواسته های جامعه را می آموزد و این شناخت او را به گزینش رفتارهای معین رهنمون می سازد. روابط و عملکرد مناسب خانواده برای سلامتی فرد، خانواده و جامعه ضروری است. آنچه در درون خانواده اتفاق می افتد و چگونگی عملکرد آن می

تواند یک عامل کلیدی در ایجاد انعطاف پذیری و کاهش خطرات و کاهش خطرات فعلی و آینده مرتبط با رویدادهای ناگوار و شرایط نامناسب باشد. سبکهای فرزندپروری روشهایی هستند که والدین در برخورد با فرزندان خود اعمال می کنند. این سبک ها در شکل گیری و رشد شخصیتی و رفتاری آنها تأثیر فراوان و عمیقی دارد و مجموعه روشهایی هستند که به صورت منفرد یا در تعامل با یکدیگر بر رشد افراد تأثیر می گذارند. می توان گفت سبک های فرزند پروری در واقع تلاش والدین برای اجتماعی کردن فرزندان خود است [۲۲] والدین از طریق سبکهای فرزندپروری نشان تاثیرات بسیار مهم و چشمگیری در عملکرد خانواده در سطوح مختلف دارند. در پژوهش حاضر درخصوص وضعیت سبکهای فرزندپروری مشخص شد که سبک غالب، سبک مستبدانه بود. کارازه و همکاران در پژوهش خود بیان نمودند که سبک فرزندپروری مستبدانه بیشترین سبک فرزندپروری مادران است و خرده مقیاس های ارتباط، همراهی عاطفی، کنترل رفتار و کارکرد کلی خانواده با مشکلات رفتاری رابطه ی معنی داری دارد. همچنین سبک فرزندپروری مستبدانه با اختلال بیش فعالی رابطه ی مثبت و با اختلال خلقی رابطه ی منفی معنی داری دارد [۸]. شفیع پور و همکاران نیز به این نتیجه رسیدند که سبک فرزندپروری مقتدرانه هم با مشکلات رفتاری درونی سازی شده و هم با مشکلات برونی سازی شده رابطه منفی معنادار دارد. سبک فرزندپروری سهل گیرانه تنها با مشکلات رفتاری درونی سازی رابطه مثبت معنادار داشت [۲۳]. همچنین مرادیان و همکاران بیان کردند که سبکهای فرزندپروری مقتدر، مستبد و آسانگیر با عملکرد تحصیلی با واسطه انگیزه پیشرفت و خودکارآمدی تحصیلی معنادار بودند [۹]. مطالعات انجام گرفته توسط گوئک و همکاران، اوماک و همکاران نیز نقش الگوهای تربیتی مستبدانه و سهل گیر در ایجاد اختلالات رفتاری را مورد تأیید قرار می دهد [۲۴، ۲۵]. نتایج مطالعات مذکور با مطالعه حاضر همسو می باشند. با توجه به اینکه سبک غالب در این تحقیق سبک مستبدانه است در تبیین نتایج حاصل می توان چنین بیان کرد که شیوه فرزند پروری مستبدانه ممکن است فرزندان مضطرب، ناشاد و ناسازگار تربیت شوند. والدین نسبت به فرزندان خود محبت کمتری دارند و هم چنین بر فرزندان خود کنترل بسیاری به کار می گیرند. والدین مستبد معمولاً ارزش زیادی برای حفظ اقتدار خود قابل اند و هرگونه تلاش از جانب فرزندان برای به چالش کشیدن این اقتدار را سرکوب می کنند، کودکان مجاز نیستند با والدین بحث کنند و یا به طور مستقل تصمیم بگیرند. سبک مستبدانه با تقاضای بالای والدین و پاسخ دهی کم آنها مشخص می شود با پیامدهای منفی مانند مشکلات رفتاری درونی سازی و برونی سازی همراه است [۲۶]. این گونه والدین از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین هستند و بیشتر از رویکرد تنبیهی شامل تهدید، انتقاد و دیکته کردن قوانین به صورت اجباری استفاده می کنند، خودپروی کودکان شان را محدود می کنند و خودشان تصمیم می گیرند که چه رفتارهایی برای فرزندشان مناسب است [۲۷] والدینی که سبک فرزندپروری مستبد را در خانواده اجرا میکنند، نظارت و کنترل زیادی بر فرزندانشان دارند، حق انتخاب را از آنها سلب میکنند، توانایی های آنها را نادیده میگیرند و انتظارات نامعقولی از آنها دارند، فرزندان مجبورند که از والدین به صورت مطلق پیروی کنند که این خود پیامدهای منفی بسیاری دارد، از جمله اینکه فرزندان نشان نسبت به تواناییهای خود شک کرده و خودکارآمدی آنها کاهش پیدا می کند، و به دلیل اینکه اهداف و مقاصد زندگیشان را خودشان انتخاب نکرده اند انگیزه لازم برای ادامه مسیر ندارند. بررسی وضعیت عملکرد خانواده در کارکنان شرکت نفت گچساران نشان داد که عملکرد خانواده در ایشان بالاتر از سطح متوسط می باشد. کاظمی در مطالعه ی خود نشان داد که ۱۰ درصد از سبک هویت اطلاعاتی دانش آموزان را با توجه به کارکردهای خانواده می توان پیش بینی نمود. کارکرد خانواده برای پیشبینی سبک هویت اطلاعاتی معنادار شد [۴]. در مطالعه ی دیگری کهرآئی به این نتیجه رسید که همبستگی مثبت و معنادار بین عملکرد خانواده در همه ابعاد با خودتنظیمی تحصیلی در دانشجویان بود [۱۹]. کال نیز در مطالعه ای نشان داد عملکرد خانواده از قدرت پیش بینی کنندگی بالایی برای اعتماد بین اعضاء برخوردار بوده و اعتماد نیز از قدرت زیادی در تأثیر بر شکل گیری روابط صمیمانه بین اعضاء داراست [۲۸]. نتایج مطالعات مذکور با مطالعه حاضر همسو می باشند. در تبیین نتایج حاصل می توان چنین بیان نمود که عملکرد خانواده عبارت از چگونگی ارتباط، تعامل، و حفظ روابط، چگونگی تصمیم گیری ها و حل مشکلات اعضای خانواده است [۲۹]. به عبارت دیگر، عملکرد خانواده جنبه مهم محیط خانواده است که سلامت جسمانی، اجتماعی و هیجانی کودکان را تحت تأثیر قرار می دهد [۱۴]. در واقع می توان گفت می توان گفت که پیشرفت فرزندان در حلاله اتفاق نمی افتد و صرفاً به شرایط فرزند هم وابسته نیست. بلکه محیط خانواده، نحوه تعاملات اعضای خانواده، حمایت و همراهی خانواده و عوامل دیگر نقش مهمی در آرامش فکری و تمرکز و توجه فرد دارند و اشکال در این عوامل نه تنها یادگیری و پیشرفت فرد را در محیط خانواده به طور منفی تحت تأثیر قرار خواهد داد بلکه عملکرد فرد در زندگی را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین، وقتی خانواده عملکرد خود را در ابعاد مختلف مانند حل مسأله، همراهی عاطفی، کنترل رفتار و غیره به خوبی ایفا نکند عملکرد فرد که در چنین خانواده های قرار دارد نیز به طور منفی تحت تأثیر قرار می گیرد. در واقع آنچه در درون خانواده اتفاق می افتد و چگونگی

عملکرد آن می تواند یک عامل کلیدی در ایجاد انعطاف پذیری و کاهش خطرات فعلی و آینده مرتبط با رویدادهای ناگوار و شرایط نامناسب باشد. محیط های بر انگیزنده و پرورش دهنده کودکان را قادر می سازد تا یاد بگیرند و پیشرفت کنند. بر عکس، محیط های خانوادگی بدکار می تواند برای بسیاری از جنبه های رشد کودکان و انتقال مثبت آنان به بزرگسالی بسیار مضر باشد. به طور کلی می توان گفت که عملکرد مناسب خانواده برای سلامتی فرد، خانواده و جامعه ضروری است. خانواده دارای عملکرد مناسب قادر است نیازهای عاطفی، روانی و جسمی اعضای خود را برآورده کند. اما خانواده با عملکرد نامناسب از برآورده کردن نیازهای اعضای خود عاجز شده است. برآورده نشدن نیازهای اعضای خانواده در زمینه های مختلف می تواند سلامت جسمانی، اجتماعی و هیجانی آنها را تحت تاثیر قرار دهد. تحقیقات نشان داده است در خانواده هایی که ارتباط میان اعضا و تعاملات داخل خانواده بر اساس نزدیکی و صمیمیت و تفاهم بین افراد استوار است همه اعضا علیه فشارهای زندگی نسبتاً مصون و مقاوم هستند. خانواده مهم ترین زمینه رشدی است که می تواند استعداد و آمادگی بالا در تمامی امور را در اعضای خود ایجاد کند. در خانواده هایی که تحقیر، تهدید و سرزنش وجود دارد، ارتباط مناسب و توأم با اعتماد در بین اعضا وجود ندارد، مرزهای بین اعضای خانواده روشن و واضح نیست، نقش ها و وظایف اعضا متناسب با سطح رشدی آنان نیست، حل مساله و مشکل به طور مناسب اتفاق نمی افتد و همراهی عاطفی وجود ندارد. یافته های مطالعه حاضر نشان داد که بین هر سبک فرزند پروری و عملکرد خانواده همبستگی معناداری وجود دارد. مرادیان در مطالعه ای به این نتیجه رسید که اثرات غیرمستقیم کلی سبکهای فرزندپروری مقتدر، مستبد و آسانگیر با عملکرد تحصیلی با واسطه انگیزه پیشرفت و خودکارآمدی تحصیلی معنادار است [۹].

معمری در پژوهش خود بیان کرد که بین افراد معتاد و سالم از نظر سبک فرزند پروری تفاوت معناداری وجود دارد به طوری که افراد سالم نسبت به به افراد معتاد بیشتر از سبک فرزند پروری اقتدار منطقی استفاده می کردند و نتایج در مورد متغیر کارکرد خانواده نشان داد که از بین مولفه های کارکرد خانواده بین افراد معتاد و سالم در مولفه های عملکرد کلی، حل مشکل، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتاری تفاوت معناداری وجود دارد به طوری که نتایج حاکی از ناکارایی خانواده در افراد معتاد می باشد [۳۰]. متجویک نیز در مطالعه ای به این نتیجه رسید که به هم پیوستگی و انعطاف پذیری با هر سه سبک دموکراتیک، مقتدرانه و سهل گیرانه مرتبط است. سبک والدین استبدادی با تمام الگوهای عملکردی عملکرد خانواده رابطه منفی با تمام الگوهای ناکارآمدی عملکرد خانواده رابطه مثبت داشت. این یافته ها بر این فرضیه تأکید دارد که الگوهای عملکرد خانواده در سبک والدین منعکس شده است، که این بدان معناست عوامل مداخله ای که مدل والدین را هدف قرار میدهد، نمی تواند به طور قابل توجهی بر مدل اصلی عملکرد خانواده تأثیر بگذارد [۲۱].

اگرچه والدین از شیوه فرزند پروری خاصی بیشتر پیروی می کنند اما آنها از هر سه شیوه تا حدی استفاده می کنند. کمتر خانواده ای وجود دارد که قدری از هر یک از این شیوه ها را به کار نبرد. باید توجه داشت که روش های تربیتی کودکان در سرزمین ما متأثر از اطلاعات متنوع و متغیری که بر گرفته از مآخذ متنوع و متعدد مانند فرهنگ دینی، روشهای سنتی و فرهنگ غربی است، قرار دارد. برای مثال بسیاری از خانواده های ایرانی با توجه به زمینه ها و خاستگاه تربیت غربی دچار رواج فرزند سالاری و سهل گیری در تربیت کودک شده اند. از سوی دیگر فرهنگ سنتی و دینی در مهار کنترل رفتار کودکان ریشه در احساسات و تبلیغات جامعه دارد و خانواده ها از تأثیرات ناخودآگاه آن هیچگاه مبری نیستند. در بسیاری موارد دیگر با توجه به اطلاعات علمی موجود درباره تأثیرات متفاوتی که شیوه های فرزند پروری گوناگون می توانند روی کودکان بگذارند به گونه ای که سعی دارند رفتار یا آزاد منشانه و منطقی برگزینند و یا خود را متصف به آن نشان دهند. از این رو هر سه شیوه فرزند پروری در غالب خانواده ها دیده می شود. تفاوت بین خانواده ها در میزان استفاده از هر یک از این روشها است. والدین مستبد و والدین قاطع و اطمینان بخش می کوشند تا رفتار خانواده خود را کنترل کنند ولی روشهای مختلفی دارند. والدین مستبد بدون استثنا بر اعمال قدرت تأکید دارند و اطاعت بی چون و چرا می خواهند. برعکس والدین قاطع و اطمینان بخش روش استنتاجی به کار می برند دیدگاه خانواده را در نظر می گیرند و اجازه می دهند که خانواده شان در تصمیم گیری ها دخالت کنند، در مورد قواعد شک کنند و در جریان کنش های متقابل خانوادگی تأثیر بگذارند. سبک فرزندپروری مقتدرانه روشی منطقی است که در آن حقوق والدین و کودکان محترم شمرده می شود، والدین درخواست های معقولی از فرزندان خود دارند و این درخواست ها را با تعیین محدودیت ها و تأکید بر این که کودک باید از آنها تبعیت کند به اجرا می گذارند و در عین حال به آنها صمیمیت و محبت نشان می دهند. این ویژگی ها، عملکرد خانواده را تحت تاثیر قرار می دهد. بدین ترتیب در خانواده ای که والدین شان از سبک فرزندپروری مقتدرانه بهره می جویند، در مقایسه با سایر خانواده ها از مشکلات رفتاری کمتری رنج می برند و چه بسا از رشد روانی، اجتماعی، عملکرد و مقبولیت اجتماعی بیشتری برخوردار شوند و در نهایت عملکرد بهتری خواهند داشت. خانواده هایی که در آنها سبک فرزندپروری مقتدر اعمال میشود، با اعمال قوانین و مقررات لازم و تعیین استانداردهای دقیق، و همچنین داشتن انتظارات متناسب با

توانایی فرزندان، به آنها آزادی انتخاب داده و آنها را در تصمیمگیری ها دخیل می دانند و ضمن حمایت لازم، به آنها استقلال می دهند، در نتیجه خانواده والدین مقتدر به تواناییهای خود اطمینان می کنند و عملکرد بالاتری دارند. والدین آسانگیر به فرزندان شان اجازه می دهند رفتارهای خود را تنظیم نموده و برای خودشان تصمیم بگیرند، اما به ندرت قواعدی برای نظارت بر رفتارهای کودکانشان وضع می کنند. والدینی که از سبک فرزندپروری سهل گیرانه استفاده می کنند از اعمال قواعد ناپایدار یا فاقد ساختار استفاده می کنند. هر چند ممکن است این والدین با عاطفه باشند ولی، شکست آنها در نظم دهی به رفتار کودکان شان می تواند به عزت نفس پایین منجر شود زیرا کودکان نیز در یادگیری شکل های مناسب خود نظم بخشی با شکست مواجه می شوند. والدین قاطع و اطمینان بخش برخلاف والدین سهل گیر برای خانواده خود معیارهای روشنی قایل اند. شیوه فرزند پروری اقتدار منطقی که والدین قاطع و اطمینان بخش به کار می گیرند موجب می شود که خانواده آنها بیش از سایر خانواده ها در تمام زمینه ها عملکرد بهتری داشته باشند و فرزندان این خانواده ها بیش از سایر گروهها در والدین خود تاثیر می گذارند که نتیجه این می شود که عملکرد خانواده در خانواده هایی که بیشتر از شیوه فرزند پروری اقتدار منطقی استفاده می کنند از عملکرد خانواده هایی که بیشتر از شیوه فرزند پروری مستبدانه و سهل گیرانه استفاده می کنند بالاتر باشد.

محدودیت ها:

نتایج این تحقیق محدود به خانواده های کارکنان شرکت نفت گچساران است در نتیجه قابل تعمیم به سایر والدین با موقعیت متفاوت نمی باشد. استفاده صرف از پرسشنامه های خودگزارشی، با افزایش احتمال عدم صداقت، بی دقتی و اهمالکاری کارکنان در پاسخگویی، ممکن است، منجر به کاهش روایی سازه پژوهش و احتمال رخداد سوگیری تکرشی شود. این تحقیق از نوع همبستگی است و در ادعای روابط علت و معلولی بین متغیرها دارای محدودیت است. دیگر محدودیت مطالعه ی فوق ترس از بیان سؤالات عملکرد خانواده و سبک های فرزند پروری توسط شرکت کننده ها بوده است که با توجه به اطمینان دادن محققان به آنها در خصوص رعایت کامل کدهای اخلاقی مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبنی بر محرمانه ماندن کامل نتایج و چاپ آنها به صورت کلی و بدون نام این محدودیت مرتفع شده است.

سپاسگذاری: پژوهشگران از کارکنان شرکت نفت گچساران که در انجام این مطالعه مشارکت و همکاری داشتند تشکر و قدردانی می کنند.

منابع:

۱. 18-38. p. نظری، ز.، بررسی و مقایسه ی عملکرد خانواده های عادی و مطلقه ی تهران. مشاور مدیریت، ۱۳۹۲. ۶(۳):
۲. قمری، محمد، مقایسه ابعاد عملکرد خانواده و کیفیت زندگی و رابطه این متغیرها در بین افراد معتاد و غیر معتاد. فصلنامه اعتیاد p. 27. پژوهی سوء مصرف مواد مخدر، ۱۳۹۰. ۵(۱۸):
۳. ا. امانی، تبیین مدل نظری برای سبک های فرزندپروری، سبک های دلبستگی و خودمتمایزسازی زوجین. and قربانی، آ. p. 67-86. فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۱۳۹۴. ۲۱(۶):
۴. س. چابکی، رابطه عملکرد خانواده و سبکهای هویت در دانش آموزان دختر دبیرستانهای شهر کرج. and کاظمی خوبان، س. ز. p. - (s0017) روانشناسی و روانپزشکی شناخت، ۱۳۹۶. ۴(۱) #
۵. Yarmohamadian, A. and E. Mokhtari, The Relation between Family Function and Coping Styles with Stressful Situations among Female Students of Isfahan University in ۲۰۱۳ Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences, 2015. 14(9): p. 713-728.
۶. ا. حسین کشاورز، نقش عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر در پیش بینی اضطراب دختران نوجوان. and حلیمه محمدی، ب. پژوهشنامه زنان، ۱۳۹۵. ۱۳۹۵(۱۸):
۷. ح. اله یاری، مقایسه سبکهای فرزندپروری با مریند با سبک فرزند پروری مسوولانه در اسلام. and پرچم، ا.، م. ا. فاتحی زاده، p. - پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۹۱. ۲۰ (دوره جدید) (۱۴):
۸. ح. حیدری، بررسی کارکرد خانواده و نقش سبک های فرزندپروری مادران در پیش بینی مشکلات and کارزاره، ش.، م. عبدی، p. 17-26. رفتاری. اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی، ۱۳۹۴. ۳۶(۹):
۹. Moradian, J., S. Alipour, and M. Shehni Yailagh, The causal relationship between parenting styles and academic performance mediated by the role of academic self-efficacy and achievement motivation in the students. Family Psychology, 2014. 1(1): p. 63-74.
۱۰. آهویی، س.م.م.، بررسی رابطه بین اضطراب و سرسختی با سبک های فرزندپروری معلمان مدارس متوسطه شهر زاهدان. پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، ۱۳۹۵. ۱۳۹۵(۳):
۱۱. Gross, I.M., Predictors of academic achievement and failure among low-income urban African American adolescents: an ecological perspective. 2011.
۱۲. رفیعی، محمد، بررسی رابطه ی عملکرد خانواده و نگرش دینی پرسنل صف و ستاد دانشگاه علوم پزشکی اراک. طب و تزکیه، p. 15. ۱۳۹۰. ۳(۲۰):
۱۳. Parvandi, A., M. Arefi, and A. Moradi, The role of family functioning and couples communication patterns in marital satisfaction. Family Pathology, Counseling and Enrichment Journal, 2016. 2(1): p. 54-65.
۱۴. قمری، م.، مقایسه ابعاد عملکرد خانواده و کیفیت زندگی و رابطه این متغیرها در بین افراد معتاد و غیر معتاد. اعتیاد پژوهی، p. - (۱۸)۵. ۱۳۹۰: ۵(۱۸):
۱۵. ن. هومن، رابطه بخشش و قدردانی با توجه به نقش میانجی گری عوامل بین فردی در عملکرد خانواده and اکرم رضوانی، ز. همسران دیابتی. پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، ۱۳۹۵. ۱۳۹۵(۵):
۱۶. Atienza, F.L., I. Balaguer, and M.a.L. García-Merita, Satisfaction with Life Scale: analysis of factorial invariance across sexes. Personality and Individual Differences, 2003. 35(6): p. 1255-1260.
۱۷. آ. عاشوری، بررسی رابطه بین هویت کسب شده، شیوه فرزند پروری ادراک شده و میزان امید به زندگی با and خلعتبری، ج. استرس ادراک شده در دانش آموزان دختر دوره متوسطه دبیرستان های سماء استان گیلان. روانشناسی تربیتی، ۱۳۹۱. ۳(۱) p. - (پیاپی ۹):
۱۸. Akbari, E., et al., Early Maladaptive Schemas and Parenting Styles of Students Who Have Failed in Love With and Without the Clinical Syndrome. Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology, 2012. 18(3): p. 184-194.
۱۹. Kahraze, F. and B. Rigi Kooteh, Relationship Between the Family Function with Academic Self-Regulation among the Nursing Students. Bimonthly of Education Strategies in Medical Sciences, 2016. 9(3): p. 186-193.

۲۰. Nikolaev, E.L., E.A. Baranova, and S.A. Petunova, Mental Health Problems in Young Children: The Role of Mothers 'Coping and Parenting Styles and Characteristics of Family Functioning. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2016. **233**: p. 94-99.
۲۱. Matejevic, M., D. Jovanovic, and M. Ilic, Patterns of family functioning and parenting style of adolescents with depressive reactions. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2015. **185**: p. 234-239.
۲۲. Shechory-Bitton, M., S. Ben David, and E. Sommerfeld, Effect of ethnicity on parenting styles and attitudes toward violence among Jewish and Arab Muslim Israeli mothers :An intergenerational approach. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 2015. **46**(4): p. 508-524.
۲۳. journal, سبکهای فرزندپروری و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان. پرستاری و مامایی جامع نگر (et al شفیع پور, س.ز. of HOLISTIC NURSING AND MIDWIFERY), 1394 : (۷۶)۲۵ .p.- .
۲۴. Goeke-Morey, M.C., L.M. Papp, and E.M. Cummings, Changes in marital conflict and youths' responses across childhood and adolescence: A test of sensitization. *Development and psychopathology*, 2013. **25**(1): p. 241-251.
۲۵. Omac Sönmez, M ,M.F. Genç, and L. Karaoğlu, Violent Discipline Behaviors in Mothers of Preschool Children in Malatya, East Anatolia. *Journal of Interpersonal Violence*. **0**(0): p. 0886260517720737.
۲۶. Diaz, Y., Associations between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children, 2005, University of Maryland, College Park.
۲۷. DeHart, T., B.W. Pelham, and H. Tennen, What lies beneath: Parenting style and implicit self-esteem. *Journal of experimental social psychology*, 2006. **42**(1): p. 1-17.
۲۸. Coll ,K.M., et al., Family Functioning and the Development of Trust and Intimacy Among Adolescents in Residential Treatment. *The Family Journal*, 2010. **18**(3): p. 255-262.
۲۹. Zubrick, S. and S. Silburn, Western Australian Aboriginal Child Health survey: improving the Educational experiences of Aboriginal children and Young people2006: Telethon Institute for Child Health Research and Curtin University of Technology.
۳۰. Moammeri, Z., J. Ashoori, and H. Saeedi, Effect of Life Skills Training on Self-Efficacy and Family Function in Women Headed Households. *Quarterly Journal of Social Work*, 2015. **4**(3): p. 28-36.

جدول

جدول شماره ۱

پایایی هر بعد	نمره	تعداد سئوالات	سوالات مربوط به هر خرده مقیاس	مؤلفه ها
۰/۷۸۵	۴۰-۱۰	۶	یک تا ۶	حل مسأله
۰/۷۷۴	۸۰-۴۱	۷	۷ تا ۱۳	روابط
۰/۷۶۳	۱۲۰-۸۱	۹	۱۴ تا ۲۱	نقشها
۰/۸۲۸	۱۶۰- ۱۲۱	۷	۲۲ تا ۲۹	پاسخ گویی اثربخش
۰/۸۴۵	۲۰۰- ۱۶۱	۸	۳۰ تا ۳۸	درگیری اثربخش
۰/۷۶۵	۲۴۰- ۲۰۱	۱۰	۳۹ تا ۴۷	کنترل رفتاری
۰/۸۸۹	۲۸۰- ۲۴۱	۱۳	۴۸ تا ۶۰	کارکرد(عملکرد) کلی
۰/۹۱۱	۲۸۰	۶۰	یک تا ۶۰	عملکرد خانواده

جدول شماره ۲

مولفه ها	گویه ها	تعداد سوالات	نمره	پایایی هر بعد
مقتدرانه	۱۰-۱	۱۰	۵۰-۱۰	۰/۸۰۰
مستبدانه	۲۰-۱۱	۱۰	۵۱-۱۰۰	۰/۷۶۴
سهل گیرانه	۳۰-۲۱	۱۰	۱۰۱-۱۵۰	۰/۷۵۸
کل	۳۰-۱	۳۰	۱۵۰	۰/۸۶۶

جدول شماره ۳

متغیرهای تحقیق	سطح معناداری	ضریب همبستگی
سبکهای فرزند پروری و عملکرد خانواده	۰/۰۰۰۱	۰/۳۵۲
سبک مقتدرانه و عملکرد خانواده	۰/۰۰۰۱	۰/۲۷۹
سبک مستبدانه و عملکرد خانواده	۰/۰۰۱	۰/۱۹۲
سبک خویشتن داری و عملکرد خانواده	۰/۰۰۰۱	۰/۳۷۵

جدول شماره ۴

عوامل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	سطح معنی داری	مقدار آماره
حل مسأله	۲۵۵	۱۴/۲۵۵۴	۳/۸۵۶۱۱	۲۵۴	۰/۰۰۰۱	۴۸/۶۶۷
روابط	۲۵۵	۱۷/۱۵۴۷	۴/۰۷۹۶۹	۲۵۴	۰/۰۰۰۱	۵۷/۸۴۹
نقشها	۲۵۵	۱۹/۵۹۷۱	۴/۰۷۰۱۸	۲۵۴	۰/۰۰۰۱	۶۷/۹۸۹
پاسخ گویی اثربخش	۲۵۵	۲۰/۰۵۴۰	۴/۸۸۹۴۶	۲۵۴	۵۸/۱۵۵	۰/۰۰۰
درگیری اثربخش	۲۵۵	۲۱/۵۰۰۰	۵/۰۳۳۲۸	۲۵۴	۶۱/۲۸۳	۰/۰۰۰
کنترل رفتاری	۲۵۵	۲۲/۵۵۴۰	۴/۵۸۰۸۸	۲۵۴	۷۱/۱۷۲	۰/۰۰۰
کارکرد (عملکرد) کلی	۲۵۵	۳۴/۶۴۷۵	۷/۶۶۹۴۹	۲۵۴	۶۸/۸۰۱	۰/۰۰۰
عملکرد خانواده	۲۵۵	۱۴۹/۷۶۲۶	۲۱/۱۵۶۱۴	۲۵۴	۱۱۵/۶۶۵	۰/۰۰۰

جدول شماره ۵

شرح	میانگین	انحراف معیار	درصد	سطح معنی داری	آماره ی تی
مقتدرانه	۲۴/۴۲۰۹	۵/۴۲۱۵۰	۳۲/۸	۰/۰۰۰۱	۶۵/۸۷۸
مستبدانه	۲۵/۰۷۵۵	۴/۸۲۲۲۶	۳۳/۷	۰/۰۰۰۱	۷۶/۳۲۸
خویشتنداری	۲۴/۸۷۱۲	۴/۷۰۷۲۳	۳۳/۵	۰/۰۰۰۱	۷۷/۸۲۴